

حسرت در حسرت تاملی بر دیوان حسرت همدانی

مهدی سلمانی*

چکیده

محمد تقی همدانی متخلص به حسرت از شاعران غزل پرداز عصر قاجار (دوره فتحعلی شاه) است که همچون بسیاری از شاعران سبک بازگشت در پس قافله شعرای این دوره، حامل ذکر باقی مانده است. تنها چاپی که از دیوان او صورت گرفته، چاپ رضا عبداللهی است که برای اولین بار در سال 1389 توسط انتشارات نگاه منتشر شده است. این تصحیح به دلایل فراوان از جمله استفاده مصحح از یک نسخه واحد آن هم نسخه ای ناقص و مغلوط و دسترسی نداشتن به دیگر نسخ اقدم و اصح، با تحریف و تصحیف فراوانی صورت گرفته است و بسیاری از ابیات با بدخوانی، ابهام، افتادگی و اشکال در وزن ضبط شده است.

نگارنده با رجوع به قدیمی‌ترین و صحیح‌ترین نسخه و نیز چند نسخه دیگر از دیوان، بسیاری از اغلاط و تحریفات دیوان چاپ شده را تصحیح کرده است که در این مقال ضمن معرفی اجمالی این شاعر به برخی از این تصحیحات اشاره کرده است.

واژه‌های کلیدی

تصحیح، نسخه خطی، دیوان حسرت همدانی

مقدمه

اهمیت موضوع نقد و تصحیح متون بر اهل فضل پوشیده نیست چرا که یکی از راه‌های شناخت آرا و پسندها و به طور کلی جمیع شوون فرهنگ و زندگی گذشتگان و نیز چگونگی تغییر و تحول تاریخی زبان، بررسی آثار پیشینیان است. احیای این متون هرچند در زمره آثار برجسته و ممتاز هم نباشند، گامی است موثر در حفظ فرهنگ و بازنمایی بخشی هرچند کوچک از دریای بیکران شعر و ادب فارسی.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان، ایران m.salmani54@yahoo.com

یکی از این آثار دیوان حسرت همدانی است که تا چندی پیش نشان آن را در فهرست های نسخ خطی کتابخانه ها می‌یافتیم. اکنون این دیوان تصحیح و به جامعه ادبی ایران ارائه شده‌است. در این مقال ضمن معرفی اجمالی این شاعر، کیفیت تصحیح و ارائه دیوان وی بررسی خواهد شد.

ملا محمد تقی همدانی مشهور و متخلص به حسرت همدانی از شاعران قرن سیزدهم ه. ق. است. شاعری از دوره قاجار و سبک ادبی بازگشت که همچون دیگر شاعران این دوره، بازگشتی کامل و بی قید و شرط به سبک های مختلف قدیم داشته است.

حسرت در دوره فتحعلی شاه قاجار (1212 تا 1250 ه. ق.) یعنی اوج حکومت قاجاریه می زیسته است. دوره‌ای که بیشترین شاعر را در عهد قاجار داشته است؛ به نحوی که شاهزاده محمود میرزا پسر فتحعلی شاه، این شاعران را به جز دختران شاه و بانوان حرم که گاه شعر می گفته‌اند، جمعاً 357 نفر می‌داند (آرین پور؛ 1357: 20/1) تعجبی نیست اگر می‌بینیم حسرت در این جمع ناشناخته مانده است و شرح حال جامعی از او در جایی ثبت نشده است.

اغلب تذکره نویسانی که از او یاد کرده‌اند، بیشتر از آنکه به شعر و طبع او اشاره ای کرده باشند، به اخلاق و رفتار ناپسند او پرداخته اند و وی را شخصی پریشان احوال، خبیث الاعمال، بی قید و لایبالی معرفی کرده‌اند. (نک. دنبلی، 1342: 112؛ گروسی، 1376: 448 و محمود میرزا، 1346: 134) که در پایان عمر نیز دعوی خدایی کرده و به قول محمود میرزا جمعی از ایلات و احشامات آذربایجان را به دور خود جمع و اغوا نموده است (محمود میرزا، 1346: 134) رضاقلی خان و نواب شیرازی در باب این مسائل به عمد سکوت کرده‌اند و او را بهره‌مند از علوم رسمیه و سربلند از معارف سالکین و جزء اکابر شعرای معاصر در فنون سخن سرایی معرفی می‌کنند (هدایت، 1385: 532؛ نواب شیرازی، 1371: 402) و در نهایت بهمن میرزا به دفاع از او پرداخته است و او را شاعری نکته‌دان و صاحب مضامین نیکو می‌داند که جمعی بر او حسرت برده و بعضی نسبت ها به او داده‌اند (بهمن میرزا، 1293: گ 64).

آنچه درباره شعر و شاعری حسرت می‌توان گفت همانی است که در باب قاطبه شاعران سبک بازگشت جز چند چهره صاحب ذوق مشهور این دوره، گفته‌اند: صنعت کاری ماهر و چیره‌دست که برخی الفاظ و عبارات پرآب و تاب را آن هم به تنوع و اقتضای بزرگان پیشین، در قالب‌های آماده ریخته است و به مخاطب ارائه می‌کند. بدیهی است شعر او هیچ نظری به وضع زمان و حوادث اجتماعی، دردها و رنج های مردمان، ناراحتی هایی که در نتیجه جنگ‌ها و فتنه‌ها و شکست‌های پیاپی به مردم عارض شده است، ندارد اما گاهی برخلاف رویه غالب عصر، نیم نگاهی به ابتکار و نوآوری در غزل دارد. اغلب غزل هایش از پختگی و شیوایی نسبی برخوردار است؛ هرچند برخی از آنها در وزن و مفهوم و گاه فصاحت و بلاغت ایرادهایی دارند.

از بین شاعران پیشین ارادتی خاص به حافظ، سعدی، صائب و طرزی افشار دارد و به تقلید از ایشان غزل های بسیاری سروده است که به حق برخی از آنها خالی از لطف نیست. نکته قابل توجه در دیوان او علاقه شاعر به ساخت مصادر و افعال جعلی است که در این تفنن بسیار خوش ذوق و صاحب قریحه به نظر می‌رسد. وی چندین غزل با قافیه کردن این مصادر سروده است که لطفی خاص به اشعار او می‌بخشد. از جمله غزلی با مطلع:

ماه رخساری نگاهیدیم ما آفتابیدیم و ماهیدیم ما

(محمد تقی همدانی، 1389: 42)

که برای ابیات دیگر از مصدری چون سپاهیدن، آهیدن، شاهیدن، گناهیدن و پناهیدن، قافیه ساخته است.

دیوان حسرت و نسخ آن

از حسرت همدانی دیوانی شامل 422 غزل، 22 رباعی و یک ساقی نامه 54 بیتی برجای مانده است. پس از جستجو و تفحص در منابع و مآخذ نسخه شناسی، چهار نسخه از این دیوان به دست آمد که خوشبختانه هر چهار نسخه در ایران نگهداری می‌شود. این نسخ عبارتند از:

1. نسخه دیوان به شماره 7896 محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی که تاریخ کتابت آن 1240 ه.ق. است. نسخه توسط کاتبی به نام یوسف به خط زیبای نستعلیق در 380 برگ کتابت شده است. برخی مواضع به دلیل افتادگی یا فرسودگی نسخه، قابل خواندن نیست. این نسخه 420 غزل، 19 رباعی و یک ساقی نامه 54 بیتی دارد و قدیمی‌ترین و در عین حال کاملترین نسخه موجود از دیوان حسرت است.

2. نسخه دانشگاه تهران که به شماره 4231 در کتابخانه مرکزی دانشگاه نگهداری می‌شود. تاریخ کتابت آن دو سال بعد از نسخه اول است (1242 ه.ق.). این نسخه نیز به خط نستعلیق نوشته شده و کاتب آن مشخص نیست اما مقدمه‌ای یک صفحه‌ای به خط حسین علی باستانی‌راد در تاریخ 15 بهمن ماه 1324 ه.ش بر آن اضافه شده است. نسخه مذکور 217 غزل و 15 رباعی دارد.

3. نسخه دیوان به شماره 7671 محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی که در سال 1250 ه.ق. به دستور محمود میرزای قاجار (متولد 1214 ه.ق.) تدوین شده است. این نسخه تفاوت‌های عمده‌ای نسبت به نسخه‌های پیشین دارد؛ به نحوی که 170 غزل آن در دیگر نسخه‌ها وجود ندارد. نسخه مذکور به خط شکسته نستعلیق آشفته‌ای کتابت شده و کاتب آن نیز مشخص نیست. این نسخه 272 غزل و 12 رباعی دارد.

4. نسخه دیوان به شماره 14150 محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی که در تاریخ 1309 ه.ق. توسط محمد ابراهیم بن حاجی قدیر ابهری به خط نستعلیق خوش در 114 برگ کتابت شده است. این نسخه 327 غزل، 14 رباعی و ساقی نامه ای 39 بیتی دارد.

تنها چاپی که از دیوان این شاعر صورت پذیرفته در تاریخ 1389 به تصحیح رضا عبداللهی و توسط انتشارات نگاه است. این چاپ مشتمل بر مقدمه‌ای در احوال شاعر در 22 صفحه و متن دیوان شامل 218 غزل و 15 رباعی است. دیوان مذکور بنابر قول مؤلف از روی نسخه‌ای در دانشگاه تهران جمع‌آوری شده است که متأسفانه مصحح هیچ گونه مشخصه‌ای از آن ارائه نکرده و چنانکه در مقدمه آورده است به سفارش و راهنمایی شادروان دکتر مهدی درخشان دست بدین کار برده و همین نسخه بی نام و نشان را اساس کار قرار داده است.

نگارنده این سطور با توجه و تأمل در این نسخ و مقابله و مقایسه آنها با دیوان چاپی، دریافت که تصحیح یادشده به هیچ وجه نمی‌تواند نیاز جامعه ادبی ایران را در برخورداری از دیوان مستند و انتقادی حسرت همدانی برآورده سازد. این تصحیح کاستی‌ها و اشکالات بسیاری دارد که به برخی از آنها اشاره خواهد شد:

1- مصحح تنها یک نسخه از دیوان حسرت در اختیار داشته است که از قضا ناقص‌ترین نسخه دیوان او محسوب می‌شود و قریب به 1350 بیت از اشعار حسرت را داراست. این نسخه علی‌رغم اینکه به خط خوش نستعلیق زیبایی کتابت شده بسیار مغلوپ است.

2- استفاده مصحح از یک نسخه در تصحیح، باعث شده است بسیاری از واژگان و ابیات که یا خوانا نبوده‌اند یا بی‌سوادی کاتب تحریف شده‌اند، همان‌گونه لاینحل در نسخه چاپی منتقل شوند یا مصحح به نحوی ذوقی به

جایگزینی کلمات دیگر مبادرت ورزد که در اغلب موارد اشتباه است.

3- موارد بدخوانی نسخه در متن چاپی بسیار است و این در حالی است که با اندک دقتی به وزن یا قرائن موجود در بیت، مشخص می‌شود که بسیاری از این واژگان خوانا و صحیح هستند. کمتر غزلی را می‌توان یافت که از این بدخوانی‌ها مصون مانده باشد.

4- مصحح کوچکترین اشاره‌ای به مشخصات نسخه خطی نکرده است و تنها به مکان نگهداری نسخه آن هم با عنوان «دانشگاه» بسنده کرده است. از طرف دیگر روش تصحیح این دیوان نیز ارائه نشده است.

5- مقدمه کتاب در 22 صفحه تنظیم شده است که ابتدا طی دو صفحه معرفی اجمالی و منقول حسرت همدانی صورت گرفته و در بیست صفحه بعد به نقل مستقیم و بدون ارجاع علمی مطالب چند تذکره بسنده شده است و در پایان مقدمه تحت عنوان منابع تحقیق به ذکر هشت تذکره و نام مؤلفان آن (بدون جزئیات منبع) اشاره‌ای رفته است. مخاطب هیچ اطلاعاتی در باب شعر، سبک شعری و موضوعات مورد نظر شاعر در مقدمه نمی‌یابد.

6- متن چاپ شده، فهرست مطالب و اشعار ندارد و در پایان کتاب فقط فهرست مطلع غزلیات آمده است و خبری از فهرست منابع و مأخذ تحقیق نیست.

7- در موارد بسیاری از ابیات و اشعار دیوان، افتادگی‌ها به صورت نقطه چین ضبط شده است و مصحح در پی نوشت به افتادگی یا خوانا نبودن آن اشاره کرده است.

8- در نسخه مذکور علاوه بر اینکه قریب به نیمی از غزلیات و رباعیات، موجود نیست، ابیات بسیاری نیز در اثنای غزل حذف و یا جابجا ضبط شده است.

آنچه در مقدمه تصحیح نسخ خطی می‌آید در بسیاری موارد با کتب و منابع دیگر متفاوت است؛ مصحح می‌کوشد در پیشانی اثر خود، نمایی روشن از مؤلف و اثر او ارائه کند تا مخاطب با ذهنیتی باز به خواندن متن اصلی اثر بپردازد. متأسفانه مصحح دیوان حسرت، بدون هیچ گونه تحلیلی، در دو صفحه آنهم تماماً منقول (و البته بدون ارجاع دقیق) زادگاه و احوال حسرت را نمودار ساخته است. در اندک سطوری هم که به قلم ایشان نگارش یافته متنی کاملاً ادبی ارائه شده که از بار تحقیقی کار می‌کاهد. مثلاً در پایان دو صفحه مذکور، درباره حسرت می‌نویسد:

«به هر حال حسرت همدانی شاعری است سوخته دل که فلسفه سوختن را در محضر پروانه آموخته است. غزلهایش به ظرافت مویرگ‌ها و به دلنشینی همولایتی عارفش بابا طاهر همدانی است...» (محمو تقی همدانی، 1389: 6). در بخش دوم مقدمه تحت عنوان: «سخنان تذکره نویسان درباره حسرت همدانی» به نقل اقوال هشت تذکره نویس (و باز بدون ارجاع دقیق و علمی) درباره حسرت پرداخته است و مجموع این دو بخش مقدمه کتاب را تشکیل می‌دهد.

بدخوانی‌های اصل نسخه

اشکال دیگر دیوان چاپی، واژگان و ابیاتی است که در نسخه به صورت صحیح ضبط شده اما به دلیل بی دقتی، مصحح آنها را به گونه‌ای مغلوطن ثبت کرده است. از جمله:

ص 26 غ 2: در غزلی که حسرت به پیروی از حافظ سروده است بدون توجه به وزن و مفهوم بیت چنین آمده:

هر آنکس را که مطلب حاصل است از گفت و گویت

به راه کعبه چون زاهد چه سود از طی منزلها

که در ضبط نسخه اساس چنین می خوانیم :

هر آنکس را که مطلب حاصل است از کعبه کویت

به راه کعبه چون زاهد چه سود از طی منزلها

ص 26، غ 2: بدون توجه به مفهوم و تکرار واژه چنین آمده:

که باشد زان دهن ما را سخن حلال مشکل ها

بکن گاه سخن ما را خجل مرغ شکرخارا

در نسخه اساس:

که باشد زان دهن ما را سخن حلال مشکل ها

بکن گاه سخن یارا خجل مرغ شکرخارا

ص 29، غ 5: بدون توجه به منادا، چنین آمده:

بیر بر محمدحسین خان ما

به سوی سمند صبا عرضه‌ای

در نسخه اساس:

بیر بر محمدحسن خان ما

به سوی سندج صبا! عرضه‌ای

ص 31، غ 8: بدون توجه به مفهوم چنین آمده:

کرد گاهی حضرت کامل را

در فنون عشق بازی با بتان

در نسخه اساس:

کرد کامل حضرت کامل مرا

درفنون عشقبازی با بتان

ص 31، غ 9: علی رغم خوانا بودن نسخه چنین آمده:

دامن گلشن ز غم کردم کنار خویش را

در کنار خویش دیدم گلغذار خویش را

در نسخه :

دامن گلشن ز غم کردم کنار خویش را

در کنار غیر دیدم گلغذار خویش را

ص 36، غ 15: بدون توجه به وزن چنین آمده:

زند بر هم صبا چون کاکل عنبرفشانش را

فشانند عنبری را بر سر عشاق هر دم

در نسخه:

زند بر هم صبا چون کاکل عنبرفشانش را

فشانند عنبر و سارا به سر عشاق را هر دم

ص 37، غ 16: چنین آمده:

گل بی رخ مه پاره‌ای آمد به چشمم خاراها

رفتم به گلشن پاره‌ای کردم به گل نظاره ای

در نسخه:

گل بی رخ مه پاره ها آمد به چشمم خاراها

رفتم به گلشن بارها، کردم به گل نظاره ها

ص 37، غ 16: بدون توجه به ترکیب واژگان چنین آمده:

تا کی چو حسرت بنگرم از رخنه دیوارها

بی جرم و رندی از برم پا را کشیدی از سرم

در نسخه:

تا کی به حسرت بنگرم از رخنه دیوارها

بی جرم راندی از سرم پا وا کشیدی از سرم

- ص 37، غ 17: بی توجه به مفهوم چنین ضبط شده:
 نه بینی کز دو زلف و آن جبین را
 در نسخه :
- بسوزی دل بسوزی کفر و دین را
 ز سوز دل بسوزی کفر و دین را
 بی‌بینی گر دو زلف و آن جبین را
 ص 37، غ 17: بی توجه به قرینه ها چنین آمده:
 چو بوییدم دو زلف پر چنینت
 در نسخه : چو بوییدم دو زلف پر زچینت....
 ص 38، غ 19 :
- یادآور که کنم چاره مخموری خویش
 در نسخه : باده آور که کنم چاره مخموری خویش
 ص 42، غ 23:
- نامهربان آخر چسان این خسته بیمار را
 نامهربان آخر چشان این خسته بیمار را
 نه جرعه‌ای از آن دهان وز آن دو عناب لبان
 در نسخه :
- یک جرعه‌ای از آن دهان وز آن دو عناب لبان
 ص 43، غ 26 :
- به کام تشنه لبان ریز جرعه می ناب
 هلاک طور تو ساقی که هست عین صواب
 در نسخه:
 هلاک طرز تو ساقی که هست عین صواب
- ص 46، غ 30: با بدخوانی و جابجایی واژه ها چنین ضبط شده:
 از نزاکت عارضت بر سنبل پریچ و تاب
 در نسخه : از نزاکت بر عذارت سنبل پریچ و تاب....
- ص 46، 30: بدون توجه به قرینه‌ها و مفهوم چنین آمده:
 با جفایت ای نگار من چه حاجت ز آن که هست
 با خضابت ای نگار من چه حاجت ز آن که هست
 ص 49، غ 34:
- روز و شب دائم به تشویش من است
 از دلش می‌جویم و دل بینوا
 در نسخه :
- روز و شب دائم به تفتیش من است
 از دلش می‌جویم و دل بینوا
 ص 55، غ 42 :
- ز جان و دل زهی خیرالسعادات
 سعادت مذهب پیر مغان است
 در نسخه : سعادت خدمت پیر مغان است....

- ص 57، غ 44: بدون توجه به مفهوم چنین ضبط شده:
گلزار چو خار اغیار در دامت آویزند
 در نسخه: مگذار چوخار اغیار در دامت آویزند.....
 ص 61، غ 50:
- ص 62، غ 51: بدون توجه به وزن چنین آمده:
بتی دارم نیامیزد به خوبی
 در نسخه:
- ص 64، غ 54: بدون توجه به رسم الخط نسخه و مفهوم:
چه حسرت می برد پایم بخوانید
 در نسخه: چو حسرت بی سرو پایم بخوانید.....
 ص 65، غ 55:
- ص 65، غ 56:
مراد از توره والشمس و الیل
 در نسخه: مراد از سوره والشمس و اللیل.....
- ص 67، غ 58: ضمن جابجایی واژه ها چنین ضبط شده:
بی نام و نشان نگشته میهمان
 در نسخه: بی نام و نشان نگشته هیهات.....
- ص 71، غ 64: بدون توجه به مفهوم چنین ضبط شده:
در میان خاک و خون غلتان چو مرغ بسملم
 که مصراع دوم با توجه به قافیه چنین است: از خدنگ ناوک دلدوز مژگان کرد و رفت
- ص 77، غ 75: طی بدخوانی بیت، مشخص نیست فاعل چه کسی است:
افتح اللهم هذا الباب الباب الفتوح
 و در پاورقی چنین معنی شده است: «خدایا بگشا این در گشایش ها را»
 در نسخه مصرع دوم چنین آمده: افتح اللهم هذا الباب لارباب الفتوح
- ص 77، غ 75: طی بدخوانی بیت، مشخص نیست فاعل چه کسی است:
ز تزویر می و میسر خرابات
 به یک جمله شرابم شست و شو کرد
 که بصورت:
- ص 77، غ 75: طی بدخوانی بیت، مشخص نیست فاعل چه کسی است:
ز تزویر و ریاس پیر خرابات
 به یک جام شرابم شست و شو کرد
 صحیح است.

ص 98، غ 102: بدون توجه به تکرار واژه ها و تناقض مفهومی در بیت، چنین آمده:

ای دل غمدیده سر شد شام هجران غم مخور
 ای دل غمدیده سر شد شام هجران غم مخور
 ص 99، غ 102: بدون توجه به قافیه چنین ضبط شده:

می کند بازیچه این بسیار گردون شاد باش
 در نسخه: از جفای دهر دون و جور دوران غم مخور
 ص 103، غ 108: بدون توجه به مفهوم و رسم الخط نسخه:

شد فصل گل و بهار و با غم
 که در نسخه چنین است:

شد فصل گل و بهار و با غم
 ص 105، غ 110: بدون توجه به مفهوم بیت:

با سرو بگو دعوی آزادگی ات چیست
 در نسخه: رو بنده آن قامت چون سرو روان باش

ص 110، غ 117: بدون توجه به قرائن موجود در بیت:

هر که شد خرجه پوش خانه عشق
 که شکل صحیح مصرع دوم چنین است: نیست میل سمور و سنجابش

ص 113، غ 121: در غزلی ملمع، مصحح با تکیه بر واژه «دهان» ترکیب مصرع دوم را چنین تغییر داده‌اند:

مشکل ما حل نشد از آن دهان
 کم تفکر فاه بالفکر الدقیق
 و در پاورقی این مصرع را چنین معنی کرده‌اند: «چه قدر این دهان فکر دقیق می کند!!» حال آنکه شکل صحیح چنین است: کم تفکرناه بالفکر الدقیق.

ص 114، غ 123: ضبطی که هیچ مفهومی ندارد:

رسته شد در خط رخسار گلت داری چه غم
 و شکل صحیح بیت:

رسته شد خط گرد رخسار گلت داری چه غم
 ص 137، غ 155:

درهم و آشفته تر سازد پریشان کاکلی
 که صورت صحیح واژگان ابتدایی هر دو مصرع چنین است: «هر دم» و «هر زمانم»

ص 158، غ 185: در موردی بسیار واضح:

غمزه چون آغازد آن شیرین پسر
 روشن است واژه «فرمانش» باید «قربانش» باشد.

ص 159، 187: بدون اطلاع از مفهوم واژه:

جان شیرین بهر فرمانش بجو

عطر می بیزد چو بوی سنبلیش ریحان کجاست خون چه می ریزد ز روی چون گلش ما درد کو

که غیر از بی توجهی مصحح به رسم الخط «چه»، واژه «ماورد» در معنای گلاب نیز بدخوانی دارد.

متاسفانه در تمامی صفحات این کتاب اشکال بدخوانی موجود است لذا به همین موارد بسنده می شود.

اختلال وزن و آهنگ:

اشکال دیگر این تصحیح، بی توجهی مصحح به وزن و آهنگ و قافیه ابیات است؛ به نحوی که طی بدخوانی واژه ها آهنگ شعر به هم می ریزد و ایشان بدون اشاره به اشکال وزنی، آن را مغلوط و بی وزن ضبط کرده اند که به برخی موارد اشاره می شود:

ص 103، غ 107:

راحت جان من آن قدری مایه عمر من آن زلف دراز

که به جای قدری (که علت تشدید آن نیز مشخص نیست) «قد رسا» صحیح است.

ص 105، غ 111:

از دل و جانم هوس وصل جانان بر سرست شد هوای وصل جانان از دل و جانم هوس

شاعر در تمامی ابیات غزل با استفاده از آرایه عکس، مفاد مصاریع اول را در مصرع های دوم تکرار می کند که شکل صحیح مصرع اول این بیت چنین است: از دل و جانم هوای وصل جانان آرزوست.

ص 106، غ 112:

نه خط این که می بینی نکرد عارض ماهش کشیده عاشقی آهی گرفته آه وی دودش

همان طور که واضح است مصرع اول هیچ وزن و مفهومی ندارد. شکل صحیح آن در نسخه بدون افتادگی چنین است:

نه خط است این که می بینی به گرد عارض ماهش کشیده عاشقی آهی گرفته ز آه وی دودش

ص 110، غ 119: در پایان غزلی با قافیه «خوابش ، تابش» بدون توجه به قافیه:

حسرت امشب ز تلخی هجران جان شیرین سپرده در پایش

که به جای آن واژه «بابش» صحیح است.

ص 111، غ 120: مطلع غزل چنین ضبط شده است:

این منم یارب به کنج بی کسی زار فراق رفته کار از دست دوستی رفته از کار فراق

این در حالی است که در ابیات بعد، «از فراق» ردیف است نه «فراق». مصرع دوم با این ضبط مفهومی ندارد. در نسخه مجلس شورای اسلامی (کتابت 1240 ه.ق.) بدین صورت آمده است:

این منم یارب به کنج بی کسی زار از فراق گشته ام از جان خود یکباره بیزار از فراق

ص 130، غ 146: در مطلع غزل:

با تو گل‌های نکرده مردم از تو نخل‌ها به خاک بردم

شکل صحیح:

با تو گله‌ای نکرده مردم از تو گله‌ها به خاک بردم

ص 132، غ 149: ضمن بدخوانی یک واژه، وزن و مفهوم بیت نابسامان شده است:

در وادی عشق است و بی نام و نشانی عمریست که سرگشته و بی نام و نشانم

شکل درست مصراع اول: در وادی عشق بت بی نام و نشانی

ص 183، رباعی 1:

یارب ز کرم مرا تو مشکل بگشا این قفل گرانم از دل بگشا

شکل صحیح مصراع دوم: وین قفل گرانم از در دل بگشا

تحریف و تصحیف

تحریفات صورت گرفته در این دیوان گاه از طرف نساخ و کاتبان است و گاه از جانب مصحح. به نحوی که در بسیاری موارد با تغییر یا تعویض واژگان، نه تنها گرهی از بیت نگشوده بلکه از استواری و فصاحت شعر نیز کاسته‌اند. به برخی از این تحریفات اشاره می‌شود:

ص 29، غ 6: در غزلی که تنها در نسخه دانشگاه تهران مضبوط است با اضافه کردن یک واو عطف، دو حرف واو را کنار هم آورده‌اند و در پاورقی آن را تصحیح بیت نامیده‌اند:

شراب و شاهد و وز مطرب افسوس ز نوشانوش می خواران دریغا

کاتب نسخه مذکور در چندین مورد در کنار مطلع غزل به صورتی ریزتر، مطلعی دیگر آورده است و مخاطب در ابتدای چندین غزل با دو مطلع متفاوت روبرو می‌شود که البته یکی از مطلع‌ها در حاشیه آمده است. متأسفانه مصحح در همه موارد، اقدام به ضبط هر دو مطلع آن هم به طور متوالی نموده است. یک نمونه نقل می‌شود:

ص 176، غ 213: مطلع نامفهوم اول که در حاشیه نسخه ضبط شده:

نگه گر بر گل بی گلمذاری به چشم هر گلی آید چو خاری

و در بیت بعد مطلعی دیگر:

جدا از روی یار گلمذاری به سینه دارم امشب خار خاری

ص 59، غ 47:

تا کی تو دل خراب خواهی این خانه مگر نه منزل توست

مصحح علی رغم خواندن غزل‌های ابتدایی دیوان، به رسم الخط نسخه آشنا نشده و در چندین موضع واژه «ما» را نشانه ویرگول (!) تصور کرده‌اند و برای پر کردن وزن، اقدام به اضافه کردن کلماتی ذوقی نموده‌اند. مصراع اول بیت فوق در نسخه چنین است: تا کی دل ما خراب خواهی

یا چنانکه گذشت در اغلب موارد در تصحیح «چه» به شکل «چو» بدون توجه به مفهوم، همان شکل «چه» را ضبط کرده‌اند. مثلاً:

چه باشد باعث خشنودی او مردن حسرت بکن یارب به این زودی به مرگ من تو خشنودش

ص 59، غ 47: بدون توجه به قواعد عروضی، واژه «نگه ات» را به جای «چشمت» آورده‌اند و در پی نوشت به این جایگزینی اشاره کرده‌اند:

دیدم نگه ات به خویش گفتم کین مست سیاه قاتل ماست

ص 87، غ 86: در بیت:

تا شود نغمه سرای گل رویت حسرت عندلیبی است که او تازه به گلزار رسید

ضمن بدخوانی فعل «است» در مصراع دوم، بی هیچ دلیلی واژه «عندلیب» را به «بلبل» تغییر داده و آن را به صورت: «بلبل مست که او تازه به گلزار رسید» تحریف نموده‌اند.

ص 89، غ 89: مصحح باز اشتباه کاتب را در آوردن دو بیت تقریباً هم معنا و هم قافیه، تکرار کرده‌اند، با این تفاوت که کاتب برای پرهیز از خط خوردگی و سیاهی صفحه از نشانه مرسوم «غ» به معنای غلط یا خط خورده استفاده کرده‌است. این دو بیت:

حشمت خسروی و سلطنت هر دو جهان مست در گوشه میخانه گدایی دارد

شاهی هر دو جهان گر به حقیقت نگری بر در میکده عشق گدایی دارد

نکته اینجاست که دیگر نسخ دیوان نیز فاقد بیت دوم است. هر چند باز مصراع اول بیت نخست با تحریف مصحح به صورت: «حشمت خسروی و سلطنت را به جهان... ضبط شده است. این در حالی است که شاعر در کل غزل کسی را مورد خطاب مستقیم خود قرار نمی‌دهد.

یا در همان غزل بیت صحیح:

از پی بردن دلها ز کف دلشدگان مه من طرز خوش و طرفه ادایی دارد

را به صورت: «مه من طرفه نگاهی و صدایی دارد» تغییر داده‌اند.

ص 101، غ 105: با توجه به لزوم سر هم نویسی واژه «قزوینانم» در بیت:

دل از کف داده قزوینانم ز پا افتاده ترکان تبریز

مصحح در خواندن بیت دچار مشکل شده و بجای اینکه آن را ناخوانا معرفی کند (هر چند ایراد استفاده از یک نسخه واحد را گوشزد کرده ایم) با اضافه کردن «هرگز» مصراع اول را چنین آورده‌اند:

«دل از کف داده ای هرگز نیابم» که هیچ تناسب مفهومی با غزل ندارد.

ص 103، غ 108: مصحح برای رفع ایراد وزنی بیت، ضمیر متصل «ت» را به «تو» تغییر داده و بدون توجه به مفهوم و قصد شاعر، بیت:

بی مهرت ز خویشتن کرد بی مهری روزگار افسوس

را به صورت: بی مهری تو ز خویشتن کرد... تصحیح کرده‌اند!

ص 134، غ 151: در مطلع غزل طی بدخوانی واژه «صها» به صورت «خدمت» و بدون توجه به مفهوم و تناسب واژه

جایگزین، مصرع اول بیت:

سالها باشد که در میخانه صهبا می کشم باده را پیدا و پنهان من ز هر جا می شم

را به صورت «سالها باشد که در میخانه جانها می کشم» ضبط کرده‌اند.

ص 161، غ 190: به دلیل ناخوانا یا نامفهوم بودن واژه «سبعه» ضمن حذف آن به جایگزینی ذوقی پرداخته و بیت:

کنند از طالع ناسازگارم سپهر و سبعه و سیاره ناله

را به صورت: «سپهر آبی و سیاره ناله» درآورده‌اند.

ابیات جامانده:

همان طور که گذشت تفحص نکردن مصحح برای اطلاع و استفاده از دیگر نسخ قدیمی تر و صحیح تر، باعث شده ایشان به یک نسخه کفایت کرده و در حل واژه ها، مصاریع و ابیات ناخوانای نسخه دچار مشکل شوند. همین مساله ابیات بسیاری را لاینحل واگذاشته است که در ذیل طی جستجو در نسخ دیگر به رفع چند مورد اشاره می‌گردد:

ص 40، غ 21: مصحح طی بدخوانی کلمات آغازین بیت، در تشخیص مصدر جعلی قافیه دچار مشکل شده و بیت را به صورت:

کیش و ماتت در سر کار... کفر و ایمان هر دو بازیدم ترا

ضبط نموده اند که شکل صحیح مصراع اول چنین است: «کیش و ملت در سر و کاریدمت».

ص 41، غ 23: بیت:

زلقت سخن از اهل دل می گوید از چین و چگل حل سازد آن پیمان از آن.....

به همین صورت آمده که در نسخ اقدم چنین است:

زلقت سخن با اهل دل می گوید از چین و چگل جز آن دهن کی کرده حل هرگز کسی اسرار را

ص 71، غ 64: بیت:

بوی رخسار خطت دل از صبا بشنید گفت نکهت الورد شمیم الراح او مشک.....

در دیوان به همین صورت آمده و در نسخ دیگر:

بوی رخسار و خطت دل از صبا بشنید و گفت نکه الورد شمیم الراح او مشک تفوح

ص 120، غ 132:

نشان کردم ز بهر بوسه گاهش..... به هر جایی که از پای سگ کوبش نشان دیدم

در نسخ دیگر: نشان کردم ز بهر بوسه گاهش بعد بوسیدن

ص 126، غ 139: در غزلی که حسرت با هنرمندی، افعال و مصادر جعلی را به خدمت می گیرد، بیت:

همه باران باغ..... عنییدم من و اناریدم

به همین صورت آمده که مصراع اول به شکل: «همه یاران باغ سیبیدند» صحیح است.

ص 176، غ 213: بیت:

ایاز نازنینی..... مهر کمینه چاکرت کمتر غلامی

و در نسخ دیگر: «ایاز نازنین و یوسف مصر».

موارد بسیاری در دیوان چاپی حسرت وجود دارد که ابیات بسیار سست و خالی از فصاحت و بلاغت ضبط شده‌اند. این در حالی است که اگر مصحح به دیگر نسخ دسترسی داشت، با استفاده از آن نسخه‌ها بسیاری از این ابیات در دیوان راه نمی‌یافت. تعداد این چنین موارد در دیوان تصحیح شده فراوان است و از حوصله این مقال خارج. تنها به ذکر چند مورد بسنده می‌کنیم:

ص 25، غ 1: در دیوان:

ای شعله رویت شمع شب و بتخانه
ای طاق دو ابرویت محراب مسلمانها
در نسخه های دیگر:

ص 35، غ 15: در دیوان:

هزاران بوسه دادم دست و پای پاسبانش را
پس از آن بوسه ها بوسیدم آخر آستانش را
و در نسخه های دیگر: «که نگذارد کسی جز من ببوسد آستانش را»

ص 46، غ 30: به دلیل عدم آشنایی با رسم الخط «ای» بعد از «ه» بیت را نامفهوم آورده‌اند:

آخر از روز جزا اندیشه یارا گذشت
با دل از کف دادگان جور و جفایت از حساب
در نسخ دیگر:

ص 60، غ 48: در دیوان:

بیا با یکدگر پیمانہ نوشیم
در نسخ دیگر: خوش آن دم کز کفت پیمانہ نوشم.....

ص 61، غ 49: در دیوان:

بهای بوسه شیرین که جان شیرین است
سخن دراز مکن هر دو را نه پایان است
در نسخ دیگر: «شب فراق من و زلف یار را حسرت...» که البته تناسب زیباتری با مصرع دوم دارد.

ص 174، غ 209: در دیوان بدون توجه به وزن و مفهوم:

شب هجران تو در روز جدایت مرا شد
می دهد چاشنی مرگ خدایا نمایی
که در نسخه مجلس (کتابت 1240 ه.ق.) چنین مضبوط است:

شربت شام فراق و شب هجران تو ما را
می دهد چاشنی مرگ خدا را نمایی

نتیجه

اگرچه حسرت همدانی جزء شاعران طراز اول و نامبردار عصر قاجار و سبک بازگشت محسوب نمی‌شود اما احیا و بازنمایی دیوان این شاعر به عنوان یکی از هزاران ادیب ایرانی، می‌بایست علمی، مستند و منقح باشد. متأسفانه تصحیح ارائه شده از این دیوان نه تنها خصیصه‌های یاد شده را ندارد بلکه حسرت همدانی را شاعری بی ذوق، بی سواد و یافه گو نمایانده است. عدم دسترسی مصحح به نسخ این دیوان، باعث بروز کاستی‌های فراوانی در نسخه چاپی شده است

که بسیاری از آنها با مقابله و مطابقت نسخه‌ها برطرف می‌شود. برخی از این کاستی‌ها به عدم دقت کاتبان و نسخ‌نویسی و بسیاری دیگر به بدخوانی‌ها و تحریفات و تصحیفات مصحح ارجمند باز می‌گردد.

منابع

- 1- آراین پور، یحیی، (13579). *از صبا تا نیما*. تهران: انتشارات فرانکلین.
- 2- بهمن میرزا قاجار. (1293). *تذکره محمد شاهی (نسخه خطی)* کتابت اسدالله بن نظر علیشاه تنکابنی. محفوظ در کتابخانه ملی به شماره 3/2206 ف.
- 3- دنبلی، عبدالرزاق بن نجفقلی. (1342). *تذکره نگارستان دارا*. تصحیح عبدالرسول خیامپور. تبریز: بی‌نا.
- 4- رونق سندنجدی، میرزا عبدالله بن محمد. (بی‌تا). *حدیقه امان‌اللهی*. تصحیح عبدالرسول خیامپور. تبریز: انتشارات موسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- 5- گروسی، فاضل خان. (13769). *انجمن خاقان*. با مقدمه توفیق سبحانی. تهران: نشر روزنه.
- 6- محمود میرزا قاجار. (1346). *سفینه‌المحمود*. تصحیح عبدالرسول خیامپور. تبریز: انتشارات موسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- 7- نواب شیرازی، علی اکبر. (1371). *تذکره دلگشا*. تصحیح منصور رستگار فسایی. شیراز: نوید شیراز.
- 8- هدایت، رضاقلی خان. (1374). *تذکره ریاض‌العارفین*. تصحیح ابو القاسم رادفر. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- 9- همدانی، ملا محمد تقی. (1389). *دیوان حسرت همدانی*. تصحیح رضا عبداللهی. تهران: انتشارات نگاه.